

پس از پنج سال

نشریه درون سازمانی پیام جبهه ملی ایران پس از پنج سال وقفه دوره جدید انتشار خود را از سر میگیرد. آخرین شماره این نشریه با شماره ۱۸۶ در مهرماه ۱۳۹۰ منتشر گردید. در همان زمان یک بیانیه تحلیلی اقتصادی از طرف جبهه ملی ایران منتشر شد، که در آن به بخش‌هایی از فساد مالی در دستگاه‌های دولتی و حیف و میل اموال عمومی اشاره شده بود. به دنبال انتشار آن بیانیه تهاجم و فشار علیه جبهه ملی ایران به شدت افزایش یافت. ده‌ها نفر از مسئولین و اعضای شورای مرکزی و کادریهای تشکیلاتی جبهه ملی مورد احضار و تهدید مکرر قرار گرفتند و آقای دکتر علی رشیدی اقتصاد دان فرهیخته کشور و عضو هیئت رهبری جبهه ملی ایران محاکمه و زندانی گردید. تشکیل جلسات جبهه ملی در منازل اعضا هم ممنوع اعلام شد. فشارها بر جبهه ملی ایران دائما افزایش یافت. تا آن جا که در آذر ماه سال گذشته برای جلوگیری از تشکیل جلسه شورای مرکزی در منزل آقای ادیب برومند رئیس شورای مرکزی، منزل ایشان توسط پلیس امنیت محاصره شد. و از ورود اعضای شورای مرکزی جبهه ملی به داخل منزل جلوگیری به عمل آمد.

امروز پس از گذشت ۵ سال در مجلس شورای اسلامی، از طرف قوه قضائیه و از سوی نهادهای مختلف حاکمیت و حتی توسط روزنامه‌های دولتی، فسادهای مالی بسیار گسترده تری از آنچه که در بیانیه جبهه ملی ایران به آن‌ها اشاره شده بود برملا شده و میشود. و آن چنان ارقام نجومی از فسادهای مالی ورد زبان‌ها است و در اخبار و روزنامه‌ها مندرج است که حقایق بیانیه پنج سال قبل جبهه ملی را بیش از پیش تایید می‌نماید. در طی پنج سال گذشته جبهه ملی ایران در موارد لازم نظرات خود را به شکل بیانیه‌های مختلف ابراز نموده است. و اکنون دوره جدید نشریه درون تشکیلاتی را برای اظهار عقاید خود با شماره ۱۸۷ منتشر می‌نماید.

جبهه ملی ایران، آزادی و مردم سالاری را مادر همه پیشرفت‌ها و عامل اصلی توسعه و اقتدار ملی میداند. بدون تحقق آزادی‌ها هیچگونه تعالی و شکوفائی اقتصادی و اجتماعی و علمی قابل تصور نیست. بدون برقراری آزادی ریشه فساد قطع شدنی نیست.

جبهه ملی ایران خانه سیاسی دکتر محمد مصدق است. چراغ این خانه هرگز خاموش نخواهد شد.

آیا سیاست ازدیاد جمعیت به صلاح کشور است؟

توجه و پیگیری قرار گیرد. باید دانست که جهانیان همگی مسافر یک کشتی هستند که هرگونه خللی در این کشتی باعث غرق شدن همه مسافران باهم خواهد گردید.

جمعیت کشور ما ایران در سال ۱۳۰۰ خورشیدی حدود ۸ میلیون نفر بوده است. البته این جمعیت نسبت به سال‌های قبل از آن کاهش داشته، زیرا در جریان قحطی دو ساله ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ خورشیدی آن طور که گفته شده حدود چهل درصد از مردم ایران در اثر گرسنگی جان خود را از دست داده‌اند. به هر حال جمعیت ۸ میلیونی ایران تا زمان انقلاب در سال ۱۳۵۷ یعنی طی مدت ۵۹ سال از ۸ میلیون به حدود ۳۵ میلیون نفر رسیده است. و در حال حاضر که ۳۸ سال از انقلاب گذشته نزدیک به ۸۰ میلیون نفر است. باید به یاد داشت که فقط حدود یک درصد از سطح خشکی‌های جهان به ایران تعلق دارد و جمعیت ایران هم اکنون هم نسبت به سهمی که به طور متوسط از نظر وسعت خاک میتواند داشته باشد فزونی نشان میدهد. بنابراین افزایش جمعیت کنونی در ایران به معنی پیشی گرفتن مجدد جمعیت کشور نسبت به جمعیت متوسط جهانی در مقایسه با وسعت خاکی که در اختیار دارد خواهد گردید. و این مزید بر مشکلات و نارسائی‌هاییست که ایران از نظر درون‌کشوری در اثر افزایش جمعیت با آن روبرو خواهد گشت. در شرایط فعلی میلیون‌ها نفر از هم میهنان ما از داشتن مسکن قابل قبول محرومند. به گفته مقامات مسئول تغذیه میلیون‌ها نفر ناکافی و با انواع کمبودها مواجه است. بهداشت و درمان کمبودهای چشم‌گیری دارد. فضای آموزشی در کلیه سطوح ناکافیست. معضل بیکاری در بین جوانان به ویژه جوانان تحصیل کرده اکثر خانواده‌های ایرانی را آزار میدهد. بیکاری جوانان تحصیل کرده در حدی است که بنا بر آنچه در روزنامه‌های دولتی درج شده، وقتی در شهر خرم‌آباد، شهرداری خواستار استخدام نیرو برای رفتگری می‌گردد، انبوهی از جوانان دارای لیسانس و فوق لیسانس و دکترادوطلب استخدام برای رفتگری برای شهرداری می‌شوند. واضح است که در این اوضاع ازدواج برای جوانان و تشکیل خانواده با چه مشکلاتی روبروست. کشاورزی و تولید مواد غذایی با توجه به تغییرات شرایط اقلیمی و کمبود آب با تحدید روبروست. کمبود آب در حدیست که حتی آب آشامیدنی مناسب برای اهالی خیلی از شهرها با تنگنا مواجه است. با توجه به

سطح کره زمین، همین سیاره‌ای که بنی آدم در روی آن زیست میکند بالغ بر ۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد، که تنها ۲۹/۴ درصد از سطح این کره، خشکی و بقیه آن آب است. بنابر این سطحی از کره زمین که بشر میتواند بر آن قدم بنهد فقط ۱۵۰ میلیون کیلومتر مربع میباشد. و چیزی هم بر آن اضافه نشده و نخواهد شد. ۲۰۱۶ سال قبل یعنی هنگام تولد عیسی مسیح، تعداد انسان‌هایی که روی کره خاکی با این مساحت تقریباً ثابت، زندگی می‌کرده‌اند، حدود ۲۷۰ میلیون نفر برآورد شده که تا هزار سال بعد یعنی تا سال ۱۰۰۰ میلادی تغییر محسوسی نداشته و در همان حدود باقی مانده است. و از قرن یازدهم میلادی جمعیت جهان روی به افزایش نهاده است. در سال ۱۷۵۰ میلادی جمعیت کل جهان به ۷۹۱ میلیون نفر رسیده و در سال ۱۹۰۰ میلادی، در آغاز قرن بیستم، این جمعیت به یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون نفر بالغ گشته و اکنون پس از گذشت فقط یکصد و شانزده سال، جمعیت جهان در حدود هفت میلیارد و چهارصد میلیون نفر است. و در هر دقیقه هم به طور متوسط ۱۵۰ نفر بر آن افزوده می‌گردد. جمعیتی که هم اکنون و با تعداد فعلی با مشکل کمبود آب و خاک کشاورزی و کمبود غذا و نقصان بهداشت و درمان و کمبود مسکن قابل قبول و سایر کمبودها روبروست. و همه میدانند که این جمعیت با سرعت غیر قابل‌تصور در حال آلوده سازی و تخریب محیط زیست و پدیده افزایش گازهای گلخانه‌ای و افزایش درجه حرارت زمین است. آن چنان که می‌رود تا کلاً شرایط زندگی و زیست روی این سیاره را نابود نماید. با افزایش روزافزون جمعیت، بدیهی است که بروز این معضلات شتاب بیشتری خواهند گرفت و آن نقطه اسفبار نابودی شرایط زیست هر چه زودتر فرا خواهد رسید. به همین جهت بسیاری از اندیشمندان ترازید انفجار گونه جمعیت زمین را برای حفظ محیط زیست در این سیاره ویرانگرتر از انفجار اتمی دانسته‌اند. و اگر جامعه جهانی تمهیداتی برای گریز از این خطرات بالقوه تدارک نکنند بدون شک زمین قابلیت زندگی برای نوع بشر را از دست خواهد داد. بنا بر این ضمن اقدامات ضروری برای حفظ محیط زیست، کنترل جمعیت جهان امری است که به عنوان اصلی‌ترین اقدام برای محفوظ نگاهداشتن شرایط زندگی در روی زمین باید توسط مجامع جهانی به شدت مورد